

اسرار سازمان‌های سری ۳- وظیفه حفاظت

علاوه بر فعالیت کسب اطلاعات، یک سازمان سری وظیفه مهم دیگری دارد که "حفاظت" یا "ضد جاسوسی" می‌باشد. این وظیفه بیشتر جنبه دفاعی دارد، اما می‌تواند بهمان اهمیت وظایف دیگر و بایستی هم اینطور باشد - جنبه تعرضی پیدا نماید و بناچار در شبکه و دستگاه جاسوسی طرف مقابل سایه به سایه مأموران و جاسوسان آنها در عملیات سری آنها رسوخ نماید. این فعالیت در موردی است که صحبت از ضد جاسوسی بمیان می‌آید و بدیهی است که تمام اقدامات و فعالیت‌های هر مأمور بایستی نه تنها با اطلاع رئیس مربوطه، بلکه بدستور صریح او انجام پذیرد. در نوشته‌های زیر این موضوع را بطور مشروح مورد بحث قرار می‌دهیم.

در مأموریت‌هایی که جنبه حفاظتی دارد، بی بردن برآموز کار و کسب اطلاع در باره سازمان‌ها، دامنه و وسعت کار سرویس‌های اطلاعاتی دشمن، زیر نظر گرفتن موارد سوءظن که در شعاع حفاظت ملی مشغول فعالیت هستند، نظارت تدافعی از لحاظ نامه‌ها، پیام‌ها، تلگراف و تلفن، و بالاتر از همه ارتباط‌های رادیویی، و بالاخره همکاری مداوم با مأموران دولتی و انتظامی در مسائلی که به حفاظت و ایمنی کشور مربوط می‌شود، از جمله وظایف حفاظتی بشمار می‌آیند و دقت در مراقبت و انجام فعالیت‌های مربوطه آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. حفاظت دستگاه‌های صنعتی که تخریب و انهدام آنها بدلائل اهمیت تولید ملی و یا تسلیحاتی ممکن است مورد نظر دشمن قرار گیرد، دستگاه‌های فنی و تاسیسات ارتباطی و مخابراتی و حتی مؤسسات مالی که از بین بردن آنها در سایر دستگاه‌ها و فعالیت‌های ملی وقفه ایجاد میکند، و حتی سازمان‌های طرح و برنامه و مطالعات که آبادانی و انجام برنامه‌های در دست اجرا و یا آینده در آنجا متمرکز است، بایستی با کمال دقت و مراقبت و بدون کوچکترین غفلت و سهل انگاری در شبکه حفاظت دائم گنجانیده شود. بدیهی است هزینه اینگونه حفاظت‌ها، نه تنها از لحاظ

مقایسه با هزینه‌های بازسازی، بلکه از نظر صرفه‌جویی در وقت لازم برای بازسازی، بعلاوه از لحاظ جلوگیری از اتلاف وقت و وقفه در انجام برنامه‌ها، و از همه مهم‌تر پیش‌گیری از هرج و مرج و آشوب و خرابی روحیه افراد و دست‌اندرکاران، بدون تردید بر ارزش و جوابگوست. روشهای قابل‌اجرا برای حصول این منظور، از طریق "ضد جاسوسی" بسته به طبیعت موارد مربوطه بسیار متنوع و مختلف است و بایستی در هر مورد تناسب روش با هدف مورد نظر و موانعی که در سر راه است سنجیده شود و تاکتیک هم‌آهنگ با هر مورد انتخاب و بمورد اجرا درآید. از اینرو پیشنهاد یک دستورالعمل کلی در این باره غیر ممکن می‌باشد. این موضوع درست برعکس پیشنهاد مربوط به محرمانه بودن اطلاعات است. فهرست‌انظمامات حفاظت و دفاع، و اجرای آنها در عمل از ساده‌ترین دستور عمومی تا تشکیل انجمن‌های بررسی وایمنی و دفاع ملی گسترش می‌یابد. . . . پیش‌آمدهائی نظیر آنچه در "مؤسسه باتل" در فرانکفورت اتفاق افتاد و عبور از نقب زیر زمینی منطقه "شرقی" توسط جاسوسان اتمی، با شکار نشان می‌دهد چه خطراتی در کمین می‌باشد و با چه تیزبینی و هوشیاری بایستی مراقب اوضاع بود، و دامنه‌اینکار حتی به قلمرو روانشناسی و نفوذ در نیروی انسانی نیز کشیده می‌شود. "ضد جاسوسی" در عرصه فعالیت‌های یک سازمان سری، برای خود یک علم و دانش ویژه‌ایست.

بگفته " کریستوفر فلیکس"، "درجه دوستی سنج بین ملت‌ها، همانا تمایلات دوستانه است که موجب رد و بدل کردن اطلاعات می‌گردد." رئیس ضد جاسوسی نظامی آلمان "ادمیرال کاناری" با کوشش بی‌گیر به حل این مشکل توفیق پیدا کرده بود. وی پیش از سال ۱۹۳۹ با سرویس‌های اطلاعاتی بلنارستان، ایتالیا، و حتی اطریش، روابطی عالی برقرار نمود. طی سالهای پیش از جنگ جهانی خود را در جریان حوادث و اخبار و اطلاعات دنیا قرار داده بود، و توانست بدینکار ادامه دهد. اما اطلاعاتی بود که در باره متحدان آلمان میدانست ولی آنها را گزارش نمی‌نمود و آن "اطلاعات منفی" بود، یعنی اطلاعاتی که اگر افشا می‌شد، بروابط آلمان و متحدانش لطمه می‌زد و حتی بزبان حاکمیت و برتری آلمان تمام می‌شد. اگر غیر از این عمل مینمود آرمانهای ملی و سیاسی آلمان جامه عمل نمی‌پوشید و رسیدن به هدفهای برتری جوئی و تفوق نظامی عملی نمی‌گردید.

هرچند جنگ سرد اساساً میان دو بلوک قدرتمند شرق و غرب در جریان است، اما تردید نیست که سازمان‌های سری دنیای آزاد، حتی آنهائیکه عضو "اتحادیه آتلانتیک شمالی" هستند، حاضر به همکاری صادقانه نیستند. این سازمانهای سری هنوز از جنگ این توهم خنده‌آور که بایستی اسرار خود را از یکدیگر مخفی نگاهدارند و امنیت

خود را به تنهایی ناعین نمایند، خلاص نشده‌اند. این روش معمولاً از یک ملی‌گرائی یا "ناسیونالیسم" و نیز یک حسادت کوتاه بینانه آن مقاماتی مایه می‌گیرد که نمیتوانند قدرتی مافوق را بالای سر خود به بینند و از اقتداری که کشورشان، هر چند در یک محدوده کوچکی، برخوردار بوده است، چشم‌پوشند. آنها مسئولیت حراست امنیت و کاربرد "اتحادیه" را بعهده خود این سازمان واگذار می‌کنند و عقیده دارند که هر یک از کشورهای عضو بایستی به حفظ اسرار خود بکوشد، چرا که هر رخنه و ضربتی بر قلمرو سازمان سری یکی از کشورهای عضو "اتحادیه آتلانتیک" ضربه مشابهی است بر سایر کشورهای عضو این "اتحادیه". در حالیکه اگر یک همکاری صمیمانه در میان سازمان‌های سری دنیای آزاد وجود داشت، با تکیه به همکاری دائم فرد فرد اعضای این سازمان، گفته "الن دالس" مصداق پیدا می‌نمود. دالس عقیده داشت: "در حال حاضر ما یک جمعیت وابسته‌بهم هستیم، که تحت مراقبت شدید جاسوسان دشمن قرار داریم، و تنها حافظ ما سازمان‌های سری و ضد جاسوسی ماست، و جز اینهم راهی برای ایمن ماندن نداریم. هرگاه دشمن، که فعالانه برای رخنه در کار ما و از هم پاشیدن این اتحادیه دست بکار است دریابد که میتواند با یک حمله ناگهانی و غافلگیرانه نیروی دنیای آزاد را متلاشی سازد، بدون هیچ پیش‌علامت یا پیش‌حرکتی، در جایی و در زمانی که مناسب بدانند، بیدرنگ باینکار اقدام خواهد نمود."

فعالیت‌های جاسوسی و ضد جاسوسی وقتی میتواند با موفقیت توأم باشد و بدون هیچ مشکلی عمل نماید که منطبق با تصمیمات و مسئولیت‌های سازمان سری مرکزی و براساس خط‌مشی‌های تعیین شده از طرف آن سازمان، با دقت و نظم ویژه کاربرد قدرت اجرائی، با بکارگیری تمام توانائی و حداکثر کارائی موجود آن سازمان باشد. در صورتی که قسمت ضد جاسوسی و قسمت اجرائی سازمان مرکزی دست‌بدم ندهند، ی‌آدر تشکیلاتی که هر دوی آنها را در برگیرد عمل نمایند، لااقل بایستی از یک همکاری نزدیک با مراقبت دائم هر دو سازمان برخوردار باشند. یک چنین همکاری، که بایستی از طرف مقامات عالی‌رتبه بوجود آید، تنها با ملاحظاتی اداری، که براساس قوانین و مقررات ویژه ابلاغ شده، مربوط به کشور، ایالت، ویا ولایت، مانند آنچه که در "جمهوری فدرال آلمان غربی"، یا کشور "سوئیس"، ویا "ایالات متحده امریکای شمالی" معمولست، میتواند مفید واقع گردد. البته، پیشبرد این کار ممکن است با عدم همکاری یا توانائی سازمان‌های دولتی که با این روش کاملاً آشنا نشده باشند، روبرو گردد، که درینصورت تاوان آنرا اهالی مملکت خواهند پرداخت، آنهم نه بصورت مالیات، بلکه گاهی اوقات همانگونه که تاریخ نشان میدهد، بصورت ایثار جان خودشان. در حقیقت، در زمانیکه سلاح‌های

بیکار سری بصورت خرابکاری، انهدام، کشتار، آشوب، رخنه در نیروهای ملی، ایجاد خشم و نفرت در میان افراد مملکت بکار میافتد، پناه جستن در زیر محفظه شیشه‌ای و دلخوش کردن به خوشبینی و آسوده خاطری، نه تنها حماقت بلکه جنایت است.

نادیده گرفتن فعالیت‌های جاسوسی و رخنه باسرا کشورهای دنیای آزاد که توسط کمونیستها صورت میگیرد، بسیار خطرناک است، و بدان میماند که افراد کشورهای دنیای آزاد را تحت نظارت مستقیم کشورهای کمونیست قرار دهند. در جنگ سردی که اکنون میان دو بلوک قدرتمند در جریان است، و میتوان آنرا جنگ ایدئولوژیکی نامید، غرب آزاد از شوروی عقب مانده است، و بدین ترتیب چاره‌ای جز حالت تدافعی ندارد. اما از سوی دیگر، دنیای آزاد از لحاظ نبرد برعلیه رخنه و خرابکاری دارای امتیازات زیادی میباشد. دلیل آنهم اینستکه ماء موران سری احزاب کمونیست ماء موریت دارند که بیشتر فعالیت‌های خود را در خدمت مقاصد و پیشبرد برنامه‌های احزاب و مراقبت در امور داخلی کشورها بکار برند. سازمانهای سری امنیتی اتحاد جماهیر شوروی بخوبی از این حقیقت آگاهند، چرا که فعالیت‌های سری ایدئولوژیکی لازم توسط یکی از سازمانهای سری داخلی آنها صورت میگیرد که زیاد با جاسوسی سروکاری نمیتواند داشته باشد. هم چنین هیچگونه همکاری درین باره از سازمانهای سری دیگر نمیتوانند انتظار داشته باشند و این موضوع بدلیل آنستکه، طبق مقررات معمول، هیچ ماء مور عملیات سری و ایدئولوژیکی دستور جاسوسی دریافت نمیدارد. البته موارد استثنائی دیده میشود، ولی اصولاً این دو وظیفه که یکی ماء موریت سری و ایدئولوژیکی و دیگری جاسوسی باشد، هر کدام ماء موران ویژه خود دارند و این ترتیب بخاطر آن اتخاذ شده است که هرچه بیشتر در فعالیت‌های سری و ایدئولوژیکی از برخوردهای بین‌المللی پرهیز گردد.

دفاع در مقابل رخنه و خرابکاری بیشتر به قسمت "ضد جاسوسی" مربوط میشود تا به قسمت "جنگ ایدئولوژیکی". بدیهی است که مراقبت برای جلوگیری از فعالیت‌های دشمن که با سلاح ایدئولوژیکی وارد پیکار میشود، از وظایف "قسمت حفاظت" سازمان سری میباشد. اخیراً، از یک نظریه زیاد جانب‌داری شده است و عقیده براین است که پیشبرد هدفهای "نبرد ایدئولوژیک" یا "روان جنگی" که در اصطلاح جدید آنرا "استراتژی سری" مینامند، باید در چهارچوب وظایف سازمان اطلاعاتی قرار بگیرد. ما خود را در این عقیده سهیم نمیدانیم، زیرا یک سازمان اطلاعاتی، که با دقت هرچه تمامتر، در قلمرو کشف واقعیات باهدفها، تصمیم‌ها، ارقام و آمار سروکار دارد، نبایستی به‌گفت و شنودهای دامنه دار ایدئولوژیک، که از وظایف دولت و احزاب، و عقاید گوناگون است، خود را مشغول کند. شک نیست که رئیس یک سازمان سری هم دارای آن شرایط

و وسعت معلوماتی نیست که بتواند در کشفش ها و بحث های ایدئولوژیک و یا "روان جنگی" وارد شود. بدشواری میتوان مسائل ضد جاسوسی را با دفاع ضد توطئهها و رخنه در افکار عمومی که ناشی از نفوذ ایدئولوژیکی و "روانشناسی سیاسی" است دو فعالیت مشابه و یا دو جبهه از یک نبرد دانست.

اما، از سوی دیگر، یک سازمان سری اطلاعاتی بایستی مطلع داشتن دولت و همکاری با آن را از طریق بکارگیری تمام وسائلی که در اختیارش گذاشته شده، وظیفه دائمی خود بشمارد و رویارویی با حملات ایدئولوژیکی، از هر نوع و از جانب هرملکتی پیش آید، یکی از آن موارد است. کمک هائی که سازمان میتواند درین باره بنماید، عبارتند از: (۱) دولت را بموقع از وضع کشوری که هدف آینده کمونیستهاست با اطلاع سازد، (۲) در شبکه جاسوسی کشور رخنه گر نفوذ نماید و از فعالیت ها و نقشه های آنها آگاهی یابد، (۳) تا آنجا که ممکن است، دولت را از نتیجه تحلیلی حاصل و وسائل بکار رفته و مشخصات اشخاصی که قرار است در دولت آینده آن کشور توسط کمونیستها روی کار آورده شوند، آگاه سازد، (۴) در صورتیکه دولتش با او دستور دهد، دولت آن کشوریکه مورد تهدید قرار گرفته را از جریان با خیر سازد و تا جائیکه میسر است به سازمان سری داخلی آنها کمک نماید.

"الن دالس" در کتاب خود با عنوان درشت مینویسد: "هشدار به سازمان های سری، و زیر این عنوان خطاب به دولتها و سازمانهای سری دنیای آزاد میگوید: "در رویا روئیهای بین المللی، در نظر کمونیستها زور بالاتر از حق است. در نتیجه، املا" برای ما راهی باز نمی ماند جز اینکه در برابر روش تهاجمی آنها خود را آماده و هوشیار نگهداریم." از اینکه ما دائم دم از رعایت و حمایت حقوق بین المللی بزنیم کاری از پیش نخواهیم برد و جز ائتلاف وقت چیزی عایدمان نخواهد شد. ما نمیتوانیم حیرت زده بایستیم و تماشا کنیم که کمونیستها دنیا را تکه تکه ببلعند و دلخوش باشیم که روش صلح جویانه در پیش گرفته ایم. کاری که بس خطرناک می نماید. ما نمیتوانیم دیگر بدون خطر ناظر سرزمین هائی باشیم که هر چند بتازگی از قید استعمار رهائی یافته اند، اینک به پیروی از روش کمونیستها رابطه خود را با دنیای آزاد بکلی و برای همیشه قطع نمایند. جنگ ایدئولوژیکی یک جنگ همه جانبه و تمام عیار است. بخاطر همین است که آنرا نمیتوان مگر با ضربه کامل پیش برد و یا با ضربه کامل در برابر آن از دنیا دفاع نمود. برای اینکار یعنی رویارویی درین نبرد، بایستی نمایندگان همه دولتها، درست مانند جنگ گرم، کمک و همکاری نمایند، و اگر ممکن است ازین هم فراتر روند و سازمان های سری خود را به هم آهنگی و همکاری وادار سازند. (ادامه دارد) -